ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
دوشنبه • ۳۱ تیر ۱۳۹۸
۱۹ ذی القعده ۱۴۴۰ • ۲۲ جولای ۲۰۱۹
شماره ۲۰۱۵۲
۱۳۷۵

۹۸ درصد معلولیت ۱۰۰ درصد توانمندی!

«وحید رجبلو» مثل خیلی‌های دیگر رفت دنبال کار اما ناتوانی جسمی، اولین و تنها چیزی بود که به چشم کارفرماها آمد او خانه‌نشین نشد و روزگار موفقی برای خودش ساخت

عکس: از مهر

الهه توانا | روزنامه‌نگار

پرونده

زندگی دانشمندها، مخترع‌ها و بزرگان عالم هنر و به طور کلی آدم حسابی‌ها را که بگردی، دست کم یک نقطه تاریک می‌بینی؛ یک حفره ناامیدی، بلا، بدبیاری. ادیسون را مدرسه راه ندادند؛ هلن کلر با سد معلولیت مواجه بود و لاغری و ناتوانی نیوتن، اسباب خنده دیگران. این‌ها که قصه است، گیریم قصه‌های واقعی! چه دخلی به ما و روزگار ما دارد؟ در زمانه و روزگار ما کسی دارد یکی که نه، ترکیبی از این قصه‌ها را زندگی می‌کند. وحید را به دلیل معلولیت شدید جسمانی‌اش، در مدرسه ثبت‌نام نمی‌کنند. به هر زحمتی شده است، غیر حضوری درس می‌خواند و خودآموز، مهارت‌های رایانه‌ای را یاد می‌گیرد. به سن‌وسال جوانی که می‌رسد، مثل خیلی‌های دیگر می‌رود دنبال کار. ناتوانی جسمی، اولین و تنها چیزی است که به چشم کارفرماها می‌آید و کسی بهش اعتماد نمی‌کند. خسته و ناامید می‌شود؟ خانه‌نشین و طلبکار از زمین و زمان؟ معلوم است که نه، قصه‌ها باید خوب و شاد تمام شوند اما کسی از نقش اول قصه‌ها نمی‌پرسد چطور از راه پر کلوخ و قلوه‌سنگ و تپه و صخره، پایان خوب می‌سازند. من از «وحید رجبلو»، پرسیدم.

توانیتو؛ از رویای شخصی تا نفع جمعی

«وحید رجبلو»، بنیان‌گذار استارت‌آپ «توانیتو» است؛ ایده‌ای برای کمک به زندگی مستقلانه توان‌یابان که حالا سه ماهی است در قالب یک شرکت اجرایی شده است: «همیشه دوست داشتم زندگی مستقلی داشته باشم. خیلی ناراحت می‌شدم از این که اطرافیانم از کار و زندگی بیفتند تا کارهای من را انجام بدهند. این ناراحتی هم از سر اخلاق و وجدان بود، هم ناشی از حس سرکوب شده استقلال‌طلبی‌ام. فکر کردم باید جایی وجود داشته باشد که برای کارهای ساده‌ای مثل خرید یا سینما رفتن، لازم نباشد کسی زندگی‌اش را ول کند و همراه من بیاید. ایده‌ام این بود که موسسه‌ای راه بیندازم که افرادی مثل من بتوانند در آن درخواست‌شان را مطرح کنند و شخصی در ازای دریافت مبلغی، نیاز آن‌ها را برطرف کند. «توانیتو» حالا دارد همین کار را می‌کند. توان‌یابان، سالمندان و دیگر افراد دارای نیازهای خاص، در این پلتفرم خدمات مختلفی در حوزه‌های سلامت، حمل‌ونقل، گردشگری و سفر و آموزش دریافت می‌کنند.

روال فعلی کار البته درصد کمی از چیزی است که در ذهن من بوده است ولی تا یکی دو سال دیگر، کاملا محقق خواهد شد. تمرکز توانیتو روی ارائه خدمات داخل منزل است. در مواردی که امکانش وجود ندارد مثل دندان‌پزشکی، شرایطی فراهم می‌کنیم که خدمات در مکانِ مناسب‌سازی‌شده و از سوی کسانی که تخصص کار کردن با افراد دارای نیازهای ویژه را دارند، ارائه شود». حدس می‌زنم از ذهن بعضی‌ها گذشته باشد که «دمش گرم ولی حتما یه حمایتی پشتش بوده. شاید هم بچه مایه‌داری چیزی باشه». همین را از وحید می‌پرسم: «بچه پولدار نیستم و همه هزینه کار را به طور شخصی از برنامه‌نویسی تأمین کردم. اصولا در اکوسیستم استارت‌آپی تصور بر این است که موفق‌ها به یک نخ نامرئی وصل‌اند و لی واقعیت این است که اگر خلاقیت و مهارت داشته باشی، هیچ چیز دیگری لازم نیست. توانیتو هم به همین اعتبار پا گرفت و حالا به لطف دوستانی مثل شاهین طبری و بنا به نیاز جامعه، کارش گرفته است؛ الان ۱۱ نفر نیروی ثابت داریم و چهار نفر نیروی داوطلب. راستش را بخواهید دلم می‌خواست به کارفرماها و شرکت‌هایی که قبلا بهم اعتماد نکرده بودند، زنگ بزنم و بگویم: «دیدی تونستم؟». البته نگفتم چون دلم نمی‌خواست کینه‌ای و مغرور به نظر برسم ولی چندتایی‌شان در این مدت، پیام عذرخواهی فرستاده‌اند. اگر آن همه جواب رد شنیدن، ناامیدم کرده بود الان مثل ۱۱ سال پیش، افسرده و ناراحت کنج اتاق نشسته بودم». وحید را حالا خیلی‌ها می‌شناسند؛ خیلی‌ها رویش حساب می‌کنند و به موفقیت‌های بیشترش امیدوارند. بعضی‌ها اما در گیر کلیشه‌های ذهنی‌شان، هنوز نتوانسته‌اند ترکیب صندلی چرخدار و پرش از مانع را هضم کنند؛ «بارها ثابت کرده‌ام که از پس خودم برمی‌آیم ولی باز برای یک عده باور نکردنی است. شاید از روی تعریف و تعارف بپذیرند ولی در نهایت با رفتارشان بهم می‌فهمانند که استقلال و توانمندی برای کسی مثل من توهمی بیش نیست و نمی‌توانم ادامه بدهم چون محدودیت جسمی دارم. این خیلی ناراحتم می‌کند».

کسی توان یابان را نمی‌بیند

وحید، دو هفته‌ای است از کرج به تهران آمده است و تنها زندگی می‌کند. پیش از این هم البته زندگی مستقلی داشته و با طراحی سایت و برنامه‌نویسی، خرج خودش را درمی‌آورده است. در مدتی که مشغول راه‌اندازی توانیتو بوده، توانسته به ۲۰ توان‌یاب مهارت‌های رایانه‌ای آموزش بدهد و برای شغل، به شرکت‌ها و موسسات معرفی‌شان کند. وحید همه این کارها را با ۲ درصد توانایی جسمی، انجام داده است. بیماری SMA که وحید به آن مبتلاست، یک بیماری ژنتیکی پیش رونده است و مشخصه‌اش تحلیل رفتن عضلات می‌گوید: «فقط مچ دست را ستم کار می‌کند، آن هم در حدی که از موس، قاشق و تلفن همراه استفاده کنم. با وجود این، روزی ۱۰ ساعت کار می‌کنم.

اگر کار درمانی بروم، خیلی سرحال می‌شوم و حتی به ۱۲ ساعت هم می‌رسد. این قضیه برای خیلی‌ها قابل درک نیست که البته حق دارند. افرادی مثل من در جامعه حضور ندارند. ما اگر در بازار و تئاتر و خیابان باشیم، توانایی‌ها و مشکلات‌مان برای دیگران قابل فهم می‌شود. خیلی‌ها از من می‌پرسند صفحه‌ات را خودت مدیریت می‌کنی؟ چطوری تایپ می‌کنی؟ چطوری می‌خوابی؟ چطور غذا می‌خوری؟ این سوال‌ها خسته‌ام نمی‌کند ولی دلگیر می‌شوم وقتی مسائل مهم‌تر وجودی‌تر نادیده گرفته و به چیزهایی پرداخته می‌شود که برای من حل شده است. بله، من ۹۸ درصد معلولیت دارم و با وجود این زندگی‌ام را خودم اداره می‌کنم چون مسئله توانایی و استقامت ذهنی است، نه جسمی. این اما همه ماجرا نیست. افرادی مثل من، برای بهبود وضعیت‌شان به جلسات متعدد کار درمانی و فیزیوتراپی نیاز دارند. هر جلسه کار درمانی ۱۵۰ هزار تومان و فیزیوتراپی ۱۲۰ هزار تومان است. کسی اگر بخواهد مثل من تنها زندگی کند، ماهی دو تا سه میلیون تومان هزینه پرستار هم دارد. ویلچر برقی در بازار زیر ۲۰ میلیون تومان پیدا نمی‌شود. داروهای ماتحریم شده است و اگر هم جایی پیدا شود، قیمتش خیلی بالاست. مخارج بیماران ضایعه نخاعی خیلی بیشتر از این حرف‌هاست چون به ابزارهای بهداشتی مخصوص نیاز دارند. فکر می‌کنید مسئولان چه کار می‌کنند؟ می‌گویند تعداد بیمارهایی مثل وحید رجبلو مگر چند نفر است که دارو وارد کنیم! بهزیستی ماهی ۲۳۰ هزار تومان به معلولان می‌دهد برای حق پرستاری. هر پنج سال یک بار، دو میلیون تومان برای ویلچر می‌دهد و اگر اشتباه نکنم ماهی ۱۰۰ هزار تومان به عنوان مستمری. افراد توان‌یاب نیاز دارند از خانه بیرون بروند و روی پای خودشان بایستند؛ همان‌طور که در خیلی از کشورها توان‌یابان آن‌قدر توانمند شده‌اند که به افرادی مثل خودشان کمک می‌کنند. حالا هم البته اتفاق‌های خوبی افتاده است؛ بعد از توانیتو خیلی‌ها به من پیام داده‌اند که اعضای معلول خانواده‌شان وارد جامعه شده و کسب و کار راه انداخته‌اند. من باور دارم حمایت جامعه، یک بخش ماجراست و اراده خود توان‌یابان، بخش مهم دیگر. همیشه از دوستان معلولم می‌خواهم همه مشکلات را گردن دیگران نیندازند».

غیرممکن وجود ندارد!

اگر وحید را نمی‌شناختیم، جمله آخرش بر ایمان حکم همان توصیه و نصیحت‌هایی را می‌یافت که در مصاحبه‌ها مرسوم است. او ولی هیچ‌وقت منتظر کمک کسی نمانده و ثابت کرده است که غیرممکن وجود ندارد. یکی از تجربه‌های کوچک اخیرش را برایم تعریف می‌کند: «چندوقت پیش ویلچری به دستم رسید که قابل استفاده برای من نبود ولی خیلی دوستش داشتم. نمی‌شد که بی‌خیالش بشوم. با نرم‌افزارهای شبیه‌ساز، قالب بدنم را ساختم و سفارش دادم یک صندلی مختص آن طراحی کنند. حالا ویلچر محبوبم قابل استفاده است. من از وقتی جدا از خانواده زندگی می‌کنم، همه چیز برایم چند برابر سخت شده است؛ از تأمین هزینه‌ها تا انجام کارهای روزمره ساده. اما فکر می‌کنم باید تحمل‌ام را بالا ببرم. مسائل را زیادی بزرگ نکنم و اسم هر رفتاری را ترحم نگذارم».

نه به موانع در کشورهای آن‌ور آب!

برخی از امکانات و شرایط ویژه‌ای که در کشورهای اروپایی برای معلولان وجود دارد و من در سفرهایم از نزدیک شاهد آن‌ها بوده‌ام

دکتر مریم ذاکری | روزنامه‌نگار

اگر تاکنون گذارتان به یکی از کشورهای پیشرفته دنیا افتاده باشد، احتمالاً حضور قابل توجه معلولان در جامعه، نظر شما را به خود جلب کرده است. دوستی ایرانی که مقیم یک کشور اروپایی است در این باره معتقد بود تعداد معلولان جسمی حرکتی در جوامع اروپایی نسبت به ایران بیشتر است. باید اعتراف کنم که در طول مدت اقامتم در کشور آلمان به نظر دوستم شک کردم چرا که حضور بیشتر این افراد در شهرها، خیابان‌ها، پارک‌ها، معابر و وسایل نقلیه عمومی به دلیل فراهم بودن زیرساخت‌های لازم و فرهنگ‌سازی مناسب است نه بیشتر بودن‌شان. واضح است که مهیا بودن این شرایط به فرد معلول این اجازه را می‌دهد که از خانه خود خارج شود و همچون افراد سالم از فعالیت‌های اجتماعی لذت ببرد. در ادامه به برخی از این امکانات و شرایط ویژه‌ای که در کشورهای اروپایی وجود دارد و من در سفرهایم از نزدیک شاهد آن‌ها بوده‌ام، اشاره می‌کنم. امید است به زودی شرایط مشابهی برای معلولان کشورمان فراهم شود تا شاهد حضور بیشتر این عزیزان در شهرها باشیم.

ممنوعیت ساخت پله!

فضاهای شهری در این کشورها برای افراد با انواع معلولیت‌ها مناسب‌سازی شده است. خیابان‌ها عموماً یک دست و فاقد پستی و بلندی است. کوچه‌ها برای عبور ویلچر مناسب‌اند و توسط زنجیر، موانع فلزی و بلوک‌های سیمانی مسدود نشده‌اند. در اطراف تقاطع‌ها و خطوط عابر پیاده، جوی‌های آب، پله و ... محل‌های غیر قابل عبور برای معلولان وجود ندارد. کلیه فضاهای عمومی، شامل ادارات، نهادها، مدارس، دانشگاه‌ها، فروشگاه‌های بزرگ، اماکن ورزشی، رستوران‌ها حتی سوپرمارکت‌های کوچک اجازه استفاده از پله در ورودی خود را ندارند و در صورت داشتن پله، ملزم به طراحی راه‌های ورودی با شیب مناسب برای معلولان هستند. از طرفی استفاده از آسانسور، رمپ یا سطوح شیبدار میان طبقات برای این اماکن اجباری است. در تمام پارکینگ‌های عمومی، محل‌هایی برای پارک خودروی افراد با معلولیت در نظر گرفته شده است تا فاصله آن‌ها با خروجی و ورودی ساختمان‌ها کمتر باشد و از طرفی در طول مسیر آمد و شد به این پارکینگ اختصاصی کلیه موانع رفع شده است.

امکانات جالب در حوزه حمل و نقل عمومی

معلولان جسمی-حرکتی در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا همچون انسان‌های سالم می‌توانند از کلیه امکانات حمل و نقل عمومی شهرها بهره‌مند شوند. در ایستگاه‌های مترو یا تراموا، سکوهای سوار شدن کاملاً همسطح با وسیله نقلیه مد نظر ساخته شده‌اند بنابراین معلولی که از عصا یا صندلی چرخدار استفاده می‌کند به راحتی و بدون کمک دیگران می‌تواند سوار یا پیاده شود. درباره اتوبوس اما اوضاع کمی متفاوت است چرا که با توجه به چرخدار بودن این وسیله نقلیه، فاصله‌ای حداقلی با سطح زمین وجود دارد اما متخصصان امر برای این موضوع نیز چاره‌ای اندیشیده‌اند. در مرحله اول اشاره به این نکته ضروری است که اتوبوس‌های درون شهری عموماً فاقد پله هستند. در صورت حضور معلول جسمی در ایستگاه اتوبوس، راننده با فشار یک دکمه و با استفاده از جک‌های هیدرولیکی پیشرفته، سطح اتوبوس را تا حد امکان پایین می‌آورد سپس پیاده‌رو یا پله مخصوص عبور ویلچر را که در جلوی درورودی تعبیه شده است، باز می‌کند و در صورت نیاز به معلول برای سوار شدن به اتوبوس کمک می‌کند. در هر کدام از این وسایل حمل و نقل، فضایی به این عزیزان اختصاص داده شده است. این فضا نزدیک به درورودی، کنار پنجره و در محوطه‌ای بدون صندلی قرار گرفته است. جالب است بدانید استفاده از این فضا برای افراد عادی در صورت حضور همزمان فردی با معلولیت، جرم محسوب می‌شود و متخلف باید جریمه‌ای بین ۴۰ تا ۱۰۰ یورو بپردازد.

وضع قوانین برای کسب درآمدشان

در حالی که کلیه زیرساخت‌ها برای حضور این افراد در سطح جامعه فراهم باشد، معلولان جسمی-حرکتی نه تنها افرادی منزوی در کنج خانه‌های خود نیستند بلکه با آموختن مهارت‌های مختلف قادر به انجام بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی از جمله اشتغال و کسب درآمد هستند. از سوی دیگر حضور مداوم آن‌ها در شهر و جامعه تأثیر به سزایی در نگاه کارفرمایان و مردم عادی خواهد داشت. در اتحادیه اروپا قوانینی برای منع تبعیض میان معلولان و دیگر افراد در محیط کار وجود دارد. این قوانین به طور سالانه در حال تغییر است و گام به گام این افراد را برای مستقل شدن و افزایش فعالیت در جامعه آماده می‌کند. طبق این قوانین منعی برای استخدام افرادی که قادر هستند ۳ ساعت در روز یا بیشتر کار مشخصی را انجام بدهند؛ وجود ندارد. به عنوان مثال در کشور آلمان و در سال ۲۰۱۵ میزان بیکاری افراد با انواع معلولیت جسمی-حرکتی تنها ۹ درصد بوده است. در صورتی که سطح این معلولیت در حدی باشد که فرد نتواند نیازهای روزمره خود را با کار کردن تامین کند، سازمان‌های حمایتی و خدمات اجتماعی عمومی برای حفظ کرامت انسانی، حقوقی ماهانه به آن‌ها پرداخت می‌کنند.